

مسئولیت‌های صیانتی زوجین در تحقق امنیت اخلاقی از منظر فقه نظام خانواده

عبدالله گوهری^۱

مهدی عزیزی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین ماهیت و کارکردهای «امنیت اخلاقی» در منظومه‌ی فقه نظام خانواده و واکاوی مسئولیت‌های صیانتی اعضا انجام شده است. مسئله‌ی محوری، ناکارآمدی نگاه «تکلیف‌محور فردی» در تحلیل چالش‌های نوپدید اخلاقی و ضرورت گذار به «نگاه نظام‌مند کارکردی» است. این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد استنباطی - اجتهادی انجام شده است. داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای از قرآن کریم و جوامع روایی گردآوری شده و پس از ارزیابی دلالتی و بررسی آرای فقیهان متقدم و متأخر، با منطق فقه نظام بازخوانی شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امنیت اخلاقی، نه یک توصیه‌ی اخلاقی صرف، بلکه یک «واجب صیانتی» و مقدمه‌ای برای حفظ کبان خانواده است. بر این اساس، وظایفی همچون «آراستگی بصری» و «اشباع عاطفی»، در مقام «سد ابواب فساد»، وصف وجوبی پیدا می‌کنند. نتایج تحقیق ضمن تبیین ملازمات فقهی میان وفاداری عاطفی و حقوق واجب زوجیت، مبنایی برای بازنگری در سرفصل‌های حقوق خانواده ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: فقه نظام خانواده، امنیت اخلاقی، صیانت بصری، زوجین، سکینه.

۱. دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم؛ دکترای فقه تربیتی؛ گروه فقه تربیتی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه (ص)، قم. (نویسنده‌ی مسئول)

۲. مدرّس سطوح عالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم؛ دکترای فقه تربیتی؛ گروه فقه تربیت موسسه‌ی فقه و علوم انسانی امام رضا (علیه السلام)، قم.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۹



۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

نهاد خانواده در الگوی «فقه نظام»، نه مجموعه‌ای از افراد مستقل، بلکه یک واحد اندام‌وار و کل‌گراست که بر اساس مبانی نظری این حوزه، غایت اصلی آن دستیابی به «سکینه» و تربیت نسل تراز است؛ بر این اساس، هرگونه حکم فقهی در این نهاد باید در راستای حفظ پایداری این «کل اندام‌وار» استنباط گردد (اراکي، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵). در این میان، «امنیت اخلاقی» شرط بقا و کارکرد سالم نظام خانواده محسوب می‌شود. مسئله‌ی محوری اینجاست که در مواجهه با تغییرات شتابان اجتماعی، این امنیت دچار تزلزل شده و رشد فزاینده طلاق عاطفی در ابعاد ملی، کارکردهای این نظام را با مخاطره‌ی جدی مواجه کرده است.

نقص در امنیت اخلاقی، تنها یک بداخلاقی فردی نیست، بلکه طبق منطق فقه نظام، منجر به اختلال در کارکرد «تولید نسل صالح» می‌شود. از منظر شریعت، زوجین به عنوان ارکان این نظام، وظایفی فراتر از تکالیف حقوقی محض بر عهده دارند. واکاوی استدلالی متون دینی نشان می‌دهد که وظایفی همچون «ابراز محبت متقابل» و «آراستگی ظاهری»، حلقه‌های یک زنجیره صیانتی هستند که در کنار یکدیگر امنیت را تضمین می‌کنند. با این حال، فقدان یک الگوی جامع که پیوند میان «وظایف زوجین» و «امنیت اخلاقی» را تبیین کند، باعث شده است که بسیاری از خانواده‌ها در مدیریت بحران‌های نوپدید دچار سردرگمی شوند. لذا این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش کلیدی است که: در نظام فقهی اسلام، زوجین بر اساس چه منطقی و با چه راهکارهای صیانتی مکلف به تأمین امنیت اخلاقی هستند و ترک این وظایف چه اثری بر پایداری نظام خانواده دارد؟

۱-۲. ضرورت پژوهش

در فقه سنتی، وظایف زوجین عمدتاً در قالب احکام تکلیفی فردی نگریسته شده است، در حالی که بازتعریف این وظایف در چارچوب «فقه نظام» برای دستیابی به امنیت اخلاقی، یک ضرورت است. تبیین یک منظومه‌ی صیانتی بر پایه‌ی آموزه‌های



و حیانی برای محافظت از حریم خانواده در عصر حاضر حیاتی است، چرا که هرگونه اختلال در آن، هزینه‌های جبران‌ناپذیری بر ساختار کلان جامعه تحمیل خواهد کرد.

۳-۱. روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی اجتهادی و روش «توصیفی - تحلیلی» انجام شده است. مسیر استنباط در این تحقیق بدین گونه است که ابتدا با واکاوی دلالتی آیات صیانت و بررسی سندی و محتوایی روایات کلیدی در کتب اربعه، مقصود شارع استخراج شده و سپس با تطبیق آرای فقیهان متقدم (مانند شیخ طوسی و محقق حلی) و متأخر، مدل صیانتی خانواده در فقه نظام بازطراحی شده است.

۴-۱. پیشینه‌ی پژوهش و وجه نوآوری

ادبیات پژوهش در حوزه خانواده و امنیت اخلاقی را می‌توان در سه سطح بنیادین تحلیل نمود که نشان‌دهنده‌ی سیر تطوّر این مفهوم از نگاه تک‌گزاره‌ای به سمت نگاه ساختارگرا است:

سطح اول؛ فقه کلاسیک و مبانی حقوقی:

آثار بنیادین فقهی و حقوقی همچون مطالعات شهید مطهری (۱۳۸۰) در «نظام حقوق زن در اسلام» و محقق داماد (۱۳۸۹) در «حقوق خانواده»، زیربنای حقوقی و تکالیف فردی زوجین را با نگاهی حکمی و استدلالی تبیین کرده‌اند. این آثار اگرچه در تبیین تکالیف زوجین بسیار غنی هستند، اما عمدتاً بر «تکالیف فردی» تمرکز داشته و کمتر به پیوند ارگانیک این وظایف با هدف کلان «امنیت اخلاقی نظام‌مند» پرداخته‌اند.

سطح دوم؛ امنیت اخلاقی با رویکرد صیانتی و حاکمیتی:

در این سطح، پژوهش‌هایی همچون اثر غلامی (۱۳۹۰) با عنوان «از اخلاق حسنه تا امنیت اخلاقی»، مفهوم امنیت اخلاقی را از منظر فقهی کالبدشکافی کرده و باهنر (۱۳۹۲) به واکاوی تهدیدات بیرونی این حریم پرداخته است. با این حال، در غالب این آثار، تمرکز بر نقش «نهادهای حاکمیتی» و «عفاف عمومی» در تأمین



امنیت است و نقش محوری «مدیریت داخلی و صیانت ساختاری توسط زوجین» تحت الشعاع قرار گرفته است.

سطح سوّم؛ رویکرد فقه نظام و صیانت ساختاری:

مطالعات متأخر همچون دروس آیت الله اراکی (۱۳۹۶) پیرامون ساختار کلان نظام خانواده و پژوهش حسینی (۱۳۹۸) که به مبانی فقهی امنیت در روابط زوجین پرداخته، گام‌های مهمی در جهت نظام‌سازی برداشته‌اند. همچنین در سال‌های اخیر، پژوهش‌های تخصصی‌تری همچون رساله‌ی دکتری احمدی (۱۴۰۱) با عنوان «الگوی فقهی صیانت از نهاد خانواده در برابر آسیب‌های نوپدید» در دانشگاه امام صادق (ع)، به ابعاد ساختاری خانواده نگریسته‌اند که نشان‌دهنده‌ی چرخش جدی پژوهش‌ها از فقه فردی به سمت نگاه صیانتی و سیستمی است.

علی‌رغم غنای مطالعات فوق، نوآوری پژوهش حاضر در عبور از «تحلیل تک‌گزاره‌ای وظایف» و دستیابی به «نظریه‌ی وجوب صیانتی در فقه نظام» است. در حالی که پیشینه‌های موجود، امنیت را عمدتاً در سطح کلان جامعه بررسی کرده یا تکالیف زوجین را به صورت جزایر مستقل دیده‌اند، این مقاله با تمرکز بر «منطق استنباطی سیستمی»، وظایف زوجین (مانند آراستگی، ابراز محبت و وقار در کلام) را نه به عنوان احکامی مستحب یا تکالیفی پراکنده، بلکه به مثابه یک «شبکه هم‌افزای صیانتی» بازتعریف می‌کند. تمایز اساسی این تحقیق در اثبات این نکته است که چگونه این وظایف در هم‌تنیدگی با یکدیگر، منجر به استقرار «امنیت ساختاری» شده و از بروز بحران‌های نوپدید (مانند آسیب‌های دیجیتال) جلوگیری می‌کنند؛ منظری که در مطالعات پیشین به عنوان یک «مدل عملیاتی الزامی» مورد تدقیق قرار نگرفته است.

۲. ادبیات نظری و مفهوم‌شناسی

در الگوی فقه نظام، واژگان فراتر از دلالت‌های لغوی، بر اساس «جایگاه کارکردی» در ساختار کلان معنا می‌یابند. در واقع، دلالت هر مفهوم تابعی از اهداف غایی نظامی است که واژه در آن تعریف شده است (خسروپناه، ۱۳۹۸، ص ۴۲). بر این



اساس، مفاهیم کلیدی پژوهش حاضر در سه ساحت پیوسته مورد واکاوی استنباطی قرار می‌گیرند:

۲-۱. مفهوم امنیت اخلاقی

تأمل در ماهیت «امنیت اخلاقی» مستلزم ریشه‌یابی ماده‌ی «امن» و تحلیل انتقال معنایی آن به قلمرو فقه نظام است. ابن‌فارس اصل این ماده را بر «امانت و سکون» دلالت می‌دهد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۳) و راغب اصفهانی آن را حالتی می‌داند که زائل‌کننده خوف و موجب اطمینان خاطر است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۹۰).

در مسیر استنباط فقهی، امنیت با قاعده‌ی «حفظ عرض» (آبرو و حریم خصوصی) که از مقاصد ضروری شریعت است، پیوند می‌خورد. محقق حلّی در تحلیل حقوقی این مفهوم، آن را در معنای مصونیت جان و عرض از تعرضات نامشروع به کار می‌برد (محقق حلّی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۹۴۷). با این حال، در فقه نظام خانواده، امنیت اخلاقی فراتر از یک مصونیت فردی، به معنای «استقرار صیانت ساختاری» است.

واکاوی دلالت‌های روایی نشان می‌دهد که این مفهوم، انطباق وثیقی با واژه‌ی «حصن» (دژ) دارد. کلینی در کتاب الکافی روایتی را نقل می‌کند که در آن، کارکرد ازدواج، «احصان» و صیانت از دین معرفی شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۸). از این منظر، امنیت اخلاقی یک «وصف سیستمی» است؛ یعنی ایجاد فضایی که در آن تمایلات زوجین به صورت خودکار در شبکه ارزش‌های اسلامی قرار گرفته و از تزلزل مصون می‌ماند.

۲-۲. تبیین خانواده به مثابه «نظام»

برای درک مسئولیت زوجین، باید مبنای تحلیلی پژوهش یعنی «فقه نظام خانواده» تبیین گردد. در این نگاه، خانواده نه قراردادی میان افراد مستقل، بلکه یک «واحد اندام‌وار» (ارگانیگ) است که برای تحقق غایتی مشخص (سکینه و تربیت نسل صالح) طراحی شده است. اراکی در تبیین این ساختار، خانواده را به مثابه یک «شخصیت حقوقی واحد» می‌بیند که تمام احکام آن صبغهی غایی و نظام‌مند دارند (اراکي، ۱۳۹۸، ص ۱۲۰).



در این تراز، امنیت وضعیتی است که در آن تمامی اعضا در قبال صیانت از مرزهای اخلاقی یکدیگر مسئولیت متقابل دارند تا کلّ نظام دچار فروپاشی نشود. این مبنا دو نتیجه استنباطی دارد: نخست، «کل‌گرایی در تکالیف» (هر وظیفه ابزاری برای حفظ کل است) و دوم، «غایت‌مندی امنیتی» (هر حکمی تابعی از ضرورت جلوگیری از نفوذ ناهنجاری به این کانون مرکزی است).

۳-۲. بازخوانی «وظیفه» و «مسئولیت» در منطق فقه نظام

در فقه فردی، «وظیفه» غالباً به معنای تکلیفی است که تخلف از آن مستوجب عقاب است. اما در فرآیند نظام‌سازی فقهی، وظیفه به معنای «نقش کارکردی» بازتعریف می‌شود. بر اساس دکترین شهید صدر، تکالیف در اسلام اجزای یک کل هماهنگ برای رسیدن به اهداف کلان شریعت هستند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴). بر این پایه، مسئولیت زوجین در تأمین امنیت اخلاقی، یک نقش ساختاری برای حفظ تعادل نهاد خانواده است (اراکي، ۱۳۹۸، ص ۵۲). این مسئولیت، ماهیتی «تولیدی و نگهداری» دارد؛ به این معنا که زوجین موظفند با کنش‌های صیانتی خود، امنیت را در فضای خانه «تولید» کرده و از مرزهای آن «نگهداری» کنند. در این لایه، مسئولیت از یک تعهد حقوقی صرف به یک «رسالت ساختارساز» ارتقا می‌یابد که ضامن سلامت سلول بنیادین جامعه است.

۳. وظایف صیانتی زوجین نسبت به یکدیگر

در الگوی «فقه نظام»، خانواده صرفاً یک نهاد حقوقی برای تأمین نیازهای اولیه نیست، بلکه یک «منظومه‌ی راهبردی» است که وظیفه‌ی حفاظت از سرمایه‌های معنوی و اخلاقی جامعه را بر عهده دارد. در این الگو، باورهای دینی به مثابه «هسته‌ی سخت» سیستم صیانتی عمل می‌کنند؛ به طوری که هرگونه اختلال در بنیادهای معرفتی، مستقیماً منجر به فروپاشی کارکردهای اخلاقی خانواده می‌گردد. بر این اساس، صیانت معرفتی، نخستین وظیفه‌ی ساختاری زوجین در قبال یکدیگر است که در محورهای ذیل تبیین می‌گردد:



۳-۱. صیانت از بنیادهای معرفتی و باورهای دینی

الف. مسئولیت صیانتی در نظام خانواده:

قرآن کریم مسئولیت بنیادین مؤمنان در کانون خانواده را چنین ترسیم می‌نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا». فعل امر «قُوا» (از ماده وقی) دلالت بر وجوب ایجاد «وقایه» یا همان سپر دفاعی دارد. این وجوب تنها شامل دفع ضررهای بالفعل نیست، بلکه شامل ایجاد یک ساختار بازدارنده و پیش‌گیرانه از سقوط در هلاکت نیز می‌شود.

متعلق این وقایه، «أنفس» و «أهل» به عنوان یک واحد کلان و پیوسته است. لذا مسئولیت زوجین در اینجا، یک «تکلیف عینی و ساختاری» است تا با فراهم آوردن بسترهای رشد معرفتی و دفع شبهات، مانع از نفوذ ناهنجاری‌ها شوند. این وقایه، فراتر از یک توصیه‌ی اخلاقی، به معنای «ایمن‌سازی محیطی» است که در آن، صیانت از ایمان همسر به عنوان «مقدمه‌ی واجب» برای تحقق امنیت اخلاقی، ضرورت فقهی پیدا می‌کند (نک: اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۲۴).

ب. هم‌افزایی در مسیر طاعت

در منابع روایی، بر نقش «معین بودن» زوجین در امور معنوی تأکید ویژه‌ای شده است. شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ به پرسش پیامبر (ص) درباره حضرت زهرا (س)، ایشان را چنین توصیف فرمودند: «نعم العونُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (بهترین یاری‌گر در مسیر طاعت الهی) (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۹۱).

در بررسی اعتبار این مستند، حتی اگر از مبنای «حجّیت مراسیل جازمه‌ی شیخ صدوق» تنزّل کنیم، این روایت به لحاظ محتوایی دارای «کارکرد تأییدی» قطعی است؛ چرا که هم‌سوئی کامل با قاعده‌ی فقهی «تعاون بر برّ و تقوا» (مانده: ۲) دارد. از منظر فقه تربیتی، این روایت تبیین‌کننده خروجی قاعده‌ی تعاون در نظام خانواده است (نک: اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۲۸). بر این اساس، زوجین مکلف‌اند با تقویت



انگیزه‌های معنوی در یکدیگر، ضریب نفوذ و سوسه‌های ناهنجار را به حداقل برسانند. این «یاری‌گری»، یک نقش کارکردی در نظام صیانتی است که هزینه‌ی رفتار صحیح را کاهش و بازدارندگی در برابر انحراف را افزایش می‌دهد.

ج. معادباوری؛ ضامن نظارت درونی و وفاداری

امنیت اخلاقی در غیاب نظارت‌های فیزیکی، تنها از طریق یک سیستم نظارت درونی مستحکم قابل تأمین است. قرآن کریم ویژگی بنیادین همسران شایسته را «حَافِظَاتُ لِّغَیْبٍ» (نساء: ۳۴) معرفی می‌کند. ضمانت اجرای این وفاداری در خلوت، پیوند زدن تکالیف زوجیت با «معادباوری» است.

علامه مجلسی با استناد به منظومه‌ی روایت، یاد حساب‌کشی اخروی را بازدارنده اصلی از رذایل و مایه‌ی حیات قلب برمی‌شمارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۲۶). همچنین با نگاهی حکمی، ادراک حضور حق و باور به معاد، «صورت اخلاقی» انسان را می‌سازد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۵۰). بر این پایه، وقتی زوجین بر اساس قاعده‌ی تعاون، فرهنگ معادمحوری را در کانون خانواده زنده نگاه می‌دارند، در واقع یک «سیستم نظارت درونی» بنا می‌کنند که امنیت اخلاقی و وفاداری را حتی در نهانی‌ترین لایه‌های رفتاری تضمین کرده و مانع از شکل‌گیری انحرافات ذهنی می‌گردد.

۲-۳. مدیریت بصری و آراستگی

یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای صیانت در فقه نظام، مدیریت جاذبه‌های بصری در محیط خانه است. در این زمینه، روایت امام صادق (ع) در اصول کافی که فرمودند: «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسُهَا وَلَوْ أَنَّ تَعَلَّقَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةٌ. شایسته نیست زن خود را رها کند (بدون آراستگی بماند)؛ هرچند به این صورت که گردن‌بندی را به گردن خود بیاویزد»؛ می‌تواند مورد استناد قرار گیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۹). سلسله‌سند این روایت شامل «محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن علی بن الحکم عن منصور بن حازم» است که از منظر دانش رجال، در تراز روایات صحیح قرار می‌گیرد. محمد بن یحیی العطار از مشایخ کثیرالروایه و مورد وثوق کلینی است



که نجاشی بر جلالت او تصریح دارد (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۳)؛ احمد بن محمد بن عیسی، شیخ القمیین و فقیه وجه الطائفه است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۶۸)؛ علی بن الحکم الانباری، ثقه و جلیل‌القدر محسوب می‌شود (کشی، ۱۴۰۹، ص ۵۷۴) و منصور بن حازم نیز از اعیان اصحاب و ثقاتی است که وثاقتش مورد اتفاق است. لذا سند روایت از حیث وثاقت جمیع وسائط، قطعی است.

اگرچه مشهور فقها با تمسک به صیغه‌ی «لا ینبغی»، حکم به استحباب زینت داده‌اند، اما در فقه نظام، این حکم صیغه‌ی «وجوب عرضی و صیانتی» پیدا می‌کند. بر اساس قاعده‌ی تلازم میان مقدمه و ذی‌المقدمه، از آنجا که «احصان» (دژسازی اخلاقی) برای همسر واجب است، مقدمه‌ی منحصره‌ی آن یعنی «اشباع بصری در کانون خانواده» نیز وصف وجوبی می‌یابد. در واقع، تعطیل زینت در شرایطی که منجر به «تسبیب در معصیت» یا ایجاد رخنه در امنیت بصری همسر گردد، از منظر فقه نظام شرعاً حرام و مخلّ به وظایف زوجیت است.

۳-۳. ارضای نیازهای غریزی

در فقه کلاسیک، تکالیف جنسی زوجین غالباً در قالب «حقوق اقلاً» نظیر حق قسم یا وجوب مواقعه در هر چهار ماه یک‌بار صورت‌بندی شده است؛ اما در ساختار فقه نظام، ارضای نیازهای غریزی فراتر از یک استیفای لذّت شخصی، به مثابه یک «تکلیف ساختاری» برای صیانت از مرزهای اخلاقی خانواده تبیین می‌گردد. تحلیل ماهیت حقوقی این وظیفه، با واژه «مُحصَن» در اصطلاح فقیهان تأیید می‌گردد که از ریشه‌ی «حصن» به معنای دژ اخذ شده است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۲۶۱).

صاحب جواهر در تبیین این جایگاه، وجود همسر را برای طرف مقابل به مثابه یک «مانع مکین» (دژ نفوذناپذیر) توصیف می‌کند که راه نفوذ گناه را سد می‌نماید. بر پایه‌ی قاعده‌ی «لاضرر» و ضرورت «معاشرت به معروف» (نساء: ۱۹)، چنانچه ترک رابطه از سوی همسر منجر به ضرر یا خوف وقوع در معصیت طرف مقابل گردد، حکم، از قالب استحباب خارج شده و به «واجب فوری صیانتی» تغییر ماهیت می‌دهد. مؤید این معنا، روایاتی است که بر غایت وقایه‌ای (پیشگیرانه) نکاح تأکید دارند:



روایت اول صحیح‌هی حلبی است که مرحوم کلینی در کافی از امام صادق (ع) در فضیلت ارضای مشروع نقل می‌کند: «... أَلَيْسَ تَجِيئُونَ وَ تَفْعَلُونَ مَا يَفْعَلُونَ ثُمَّ تَنْصَرِفُونَ وَ قَدْ غُفِّرَ لَكُمْ»؛ (آیا چنین نیست که شما [به سوی همسرانتان] می‌روید و همان کاری را که اهل معصیت انجام می‌دهند انجام می‌دهید، سپس در حالی باز می‌گردید که گناهانتان بخشیده شده است؟ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۹۶)

این روایت که به لحاظ موازین رجالی به جهت وثاقت تمام راویان آن صحیح به شمار می‌آید (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۳ و ۸۱ و ۲۵۰؛ کشی، ۱۴۰۹، ص ۵۵۶ و طوسی، ۱۴۲۰، ص ۳۱۲) بر مطلوبیت اشباع مشروع نیازهای جنسی که غایت آن مغفرت و رضوان الهی است دلالت دارد.

روایت دوم نیز موثق‌هی سکونی است که مرحوم کلینی در کافی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْزَرَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي»؛ هر کس ازدواج کند، همانا نیمی از دین خود را در پناه دژ قرار داده، پس باید در نیم دیگر، تقوای الهی پیشه کند». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۹۶)

این روایت نیز که به جهت وثاقت مخبرین، موثق تلقی می‌شود (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۸ و ۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۲۶ و ۳۴۴) با تعبیر «احراز» (به معنای در پناه دژ قرار دادن) صراحتاً تایید می‌کند که ازدواج یک «عملکرد دفاعی» برای واکسینه کردن دین و اخلاق فرد است.

۴-۳. صیانت عاطفی و ابراز محبت

در نظام جامع اخلاقی اسلام، امنیت روانی خانواده به عنوان پیش‌نیاز اصلی صیانت اخلاقی شناخته می‌شود و لایه‌ی بنیادین این امنیت، در «صیانت عاطفی» تجلی می‌یابد که در لسان معصومین (ع) بر آن تأکید شده است. روایت کلیدی در این باب، کلام امام صادق (ع) است که می‌فرماید: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»؛ یعنی سخن مرد به زن که «دوستت دارم»، هرگز از قلب او خارج نمی‌شود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۶۹).

هرچند این روایت به سبب تعبیر «عن بعض اصحابه» در ظاهر مرسل به نظر



می‌رسد، اما به جهت حضور عبدالله بن بکیر که از «اصحاب اجماع» است، معتبر قلمداد می‌شود؛ چرا که طبق مبنای مقبول نزد فقیهان برجسته‌ای همچون صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۲۳۴) و شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۴۸)، مراسیل اصحاب اجماع در حکم مسانید آنهاست و واسطه‌های حذف‌شده میان آنان و معصوم، مفروض الوثاقه هستند. این اعتبار سندی ریشه در کلام کشی دارد که تصریح می‌کند طایفه بر تصحیح روایات این گروه اجماع نموده‌اند (کشی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۵). بر این اساس، ارسال موجود صدمه‌ای به حجیت خبر نزده و روایت از حیث صدوری قابل استناد است.

در تحلیل دلالت این روایت، می‌توان گفت که شارع مقدس ابراز محبت را همچون واجبات عبادی الزام‌آور نکرده است تا اصالت عاطفه محفوظ بماند، چرا که الزام قانونی به یک امر قلبی منجر به تصنع می‌گردد که با غرض اصلی شارع یعنی تحقق «سکینه» (روم: ۲۱) در تضاد است. لکن در لایه‌ی فقه نظام خانواده، ابراز محبت به عنوان یک «رکن صیانتی» نگریسته می‌شود؛ بدین معنا که ایجاد فقر عاطفی در کانون خانواده، مصداق بارز ایذاء مؤمن و تسبیب در انحراف است. بر این اساس، چنانچه خلأ عاطفی منجر به تزلزل در وفاداری همسر یا فروپاشی زیرساخت‌های امنیت اخلاقی گردد، از باب حرمت تفویت مصلحت ضروری و ضرورت حفظ نظام خانواده، صیانت عاطفی وصف وجوبی یافته و به عنوان یک تکلیف نگهبانی برای واکسینه کردن قلب همسر در برابر جاذبه‌های کاذب بیرونی قلمداد می‌شود؛ لذا هرگونه تفریط در این ساحت، نقض وظیفه‌ی وقایه‌ای است که در آیه‌ی ششم سوره‌ی تحریم بر عهده‌ی زوجین نهاده شده است.

۳-۵. صیانت از حریم خصوصی (رازپوشی)

امنیت اخلاقی خانواده در گرو حفظ اسرار و پاسداری از لایه‌های پنهان روابط زوجین است. در فقه نظام، این وظیفه از یک توصیه‌ی اخلاقی صرف به یک «واجب حفاظتی» ارتقا می‌یابد که ضامن اقتدار و حشمت کانون خانواده است. در تأیید این مدّعا، می‌توان به روایت نبوی مشهوری که مرحوم کلینی در کافی (ج ۵، ص ۴۹۹) نقل



کرده است استناد نمود که می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلَ يُفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سَرَّهَا»؛ (همانا از بدترین مردم در پیشگاه خداوند از حیث جایگاه در روز قیامت، مردی است که با همسرش خلوت می‌کند و زن نیز با او خلوت می‌نماید [و اسرارشان را به هم می‌گویند]، سپس آن مرد راز او را فاش می‌سازد).

در بررسی سندی این روایت باید گفت که تمامی روات واقع در سلسله‌سند از ثقات و اجلاء هستند (نجاشی، ص ۸۱؛ طوسی، ص ۱۶۲)؛ اگرچه در مورد سهل بن زیاد میان رجالین اختلاف نظر جدی وجود دارد، اما بزرگانی همچون وحید بهبهانی (بهبهانی، ۱۴۱۵، ص ۱۸۵)، امام خمینی (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۹۸) و آیت‌الله خویی در برخی مبانی خود، به جهت کثرت روایت اجلاء از او، وثاقت ایشان را قبول کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۳، ق، ج ۹، ص ۳۵۲).

در تحلیل دلالت روایت، تعبیر «شر الناس منزلة» در لسان معصوم، قرینه‌ای روشن بر حرمت شرعی افشای اسرار زناشویی است؛ چرا که چنین وعیدی تنها در برابر محرمات الهی صادر می‌شود. از منظر فقه نظام، «رازپوشی» (ستر) دارای دو کارکرد امنیتی هم‌زمان است: نخست حفظ کرامت و حشمت درونی خانواده و دوم انسداد منافذ طمع بیگانگان. این معنا با آیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷) نیز تایید می‌گردد؛ چرا که وظیفه‌ی «لباس بودن»، دلالت التزامی بر پوشاندن عیوب و اسرار بدن (حریم خصوصی) دارد. این تشبیه، دلالت بر لزوم صیانت از حریم خصوصی برای جلوگیری از اختلال به نظام خانواده است. بنابراین، رازپوشی یک واجب غایی است که از باب مقدمه‌ی حفظ نظام خانواده، وصف الزامی می‌یابد.

۶-۳. عفت رفتاری؛ واجب صیانتی در مواجهه با بیگانگان

آخرین لایه‌ی امنیت اخلاقی در خانواده، مدیریت تعاملات اجتماعی با بیگانگان (نامحرم) است. این لایه به عنوان «کمربند حفاظتی» عمل کرده و از تشتت بصری و عاطفی که محلّ به یگانگی پیوند زوجیت است، جلوگیری می‌کند.

الف. حجاب و پوشش؛ صیانت از حق اختصاصی همسر



تحلیل ماهیت وجوبی حجاب در فقه امامیه نشان‌دهنده آن است که این حکم، سازوکاری بنیادین برای صیانت از «حق استمتاع اختصاصی» در کانون خانواده است. از منظر کتاب الهی، آیه ۳۱ سوره نور با تأکید بر «عدم ابداء زینت» و استثنای صریح «إِلَّا لِعُضُلَتِهِنَّ» (مگر برای شوهرانشان)، دلالت بر نوعی انحصار حقوقی دارد؛ بدین معنا که جلوه‌های زیبایی‌شناختی زن، بخشی از علایق زوجیت تلقی شده و وجوب پوشش در برابر دیگران، در تلازم منطقی با حفظ این حق اختصاصی برای همسر قرار دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۱۱). در لسان روایات نیز، روایت اصبح بن نباته از امیرالمؤمنین (ع) که می‌فرماید: «لَا بَسَاتٌ مُتَبَرِّجَاتٌ... دَاخِلَاتٌ فِي الْفَنِّ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۹۰)، گویای آثار وضعی تزلزل در پوشش است. از منظر تحلیل سندی، اگرچه وجود «یوسف بن اسماعیل» در سلسله‌ی سند، آن را در رتبه‌ی «ضعیف» قرار می‌دهد، اما انطباق محتوایی این روایت با محکّمات قرآنی پذیرش آن را سهل نموده و دلالت التزامی آن را تقویت می‌کند؛ چرا که پیوند زدن «تبرّج» به «دخول در فتنه»، نشان‌دهنده‌ی آن است که شکستن حریم ستر، منجر به تقسیم علایق بصری میان همسر و بیگانگان گشته و تمرکز عاطفی را که رکن رکین میثاق زوجیت است، متزلزل می‌سازد.

این مسیر استنباطی در کلمات فقهای عظام نیز با تکیه بر «غایت وجوب ستر» قابل رهگیری است. صاحب جواهر (ره) در بحث از ادله‌ی وجوب پوشش، بر پیوند میان وجوب ستر و صیانت از نظام علایق زوجیت تأکید ورزیده و در کتاب النکاح، هرگونه رفتاری که مایه‌ی تضییع حق استمتاع زوج و تمایل به اجنبی شود را منافی با فلسفه عقد زناشویی برمی‌شمارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۸۸). همچنین، اگرچه فقهای متأخری همچون آیت‌الله خویی (ره) وجوب ستر و حرمت نظر را عمدتاً با رویکردی تعبّدی و از باب «سدّ باب مفسده» و «دفع فتنه» تبیین کرده‌اند، اما در واکاوی ادله‌ی حرمت تهییج و نگاه، بر این مبنا تأکید دارند که غرض شارع، بستن تمامی منافذی است که منجر به خروج تحریکات جنسی از حریم قانونی خانواده می‌گردد (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۳۲، ص ۴۰-۴۵). در واقع، مفسده‌ای که ایشان از آن بیم دارند، در اولین ساحت خود، دامن‌گیر امنیت عاطفی نهاد خانواده و تضییع حقوق همسران می‌شود.



در نهایت، با جمع‌بندی این مسیر استدلال (از آیات اختصاص تا روایات نهی از فتنه و مبانی فقهی سدّ مفسده)، می‌توان نتیجه گرفت که حجاب در «فقه نظام خانواده»، نقش یک «واجب سیستمی و مقدماتی» را برای تحقق غایت «انحصار استمتاع» ایفا می‌کند. این حکم با بازگرداندن انرژی و علایق بصری از فضای عمومی به محیط خصوصی، از مالکیت معنوی زوجین نسبت به یکدیگر صیانت کرده و مانع از شکل‌گیری رقابت‌های عاطفی مخرب می‌شود که کانون خانواده را تهدید می‌کنند. لذا وجوب پوشش، ضمانت‌نامه‌ای فقهی برای پایداری میثاق زوجیت و صیانت از حق اختصاصی همسر در بهره‌مندی از علایق بصری و جنسی در محیطی امن و به دور از تشویش‌های اجتماعی است.

ب. حرمت خضوع در قول و امنیت حریم کلامی

نخستین ابزار تعامل اجتماعی، «کلام» است که در صورت خارج شدن از دایره‌ی وقار، می‌تواند زمینه‌ساز ناامنی اخلاقی گردد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»؛ (پس در سخن گفتن نرمی نکنید [و با ناز و عشوه سخن مگویید] تا کسی که در دلش بیماری است طمع نکند و سخنی شایسته بگوید) (احزاب: ۳۲).

اگرچه خطاب اولیه‌ی این آیه به زنان پیامبر (ص) است، اما طبق قاعده‌ی «اشتراک در تکلیف» و با تکیه بر «الغای خصوصیت عرفیه»، حکم مذکور شامل تمام آحاد مکلفین می‌شود؛ همچنین تعلیل حکم بر طمع بیماردلان و مفسده‌ی ناشی از آن، عام بوده و اختصاصی به صنف خاصی ندارد. نهی در عبارت «فلا تخضعن»، دلالت بر حرمت هرگونه گفتاری دارد که به سبب نرمی غیرمتعارف، زمینه‌ساز فتنه و تسبیب در معصیت گردد.

از منظر فقه نظام، «وقار در کلام» تنها یک توصیه‌ی اخلاقی نیست، بلکه یک «واجب صیانتی» و راهبردی برای انسداد منافذ نفوذ به حریم خانواده است. «خضوع در قول» با تحریک طمع «فی قلبه مرض»، منجر به شکل‌گیری علایق و پیوندهای عاطفی غیرمجاز در فضای خارج از خانواده می‌شود. این امر در تحلیل نهایی،



موجب «توزیع عاطفه» در مجاری غیرشرعی و در نتیجه، کاهش اقتدار و صمیمیت در درون کانون خانواده می‌گردد. بنابراین، التزام به «قول معروف» و وقار کلامی، تکلیف نگهبانانه‌ای است که هدف آن صیانت از اختصاصی بودن پیوند زوجیت و پیشگیری از تخریب زیرساخت‌های امنیت روانی در نظام خانواده است.

ج. مدیریت نگاه و صیانت از وفاداری

در نظام فقهی خانواده، انضباط قوای حسی و به‌ویژه کنترل بینایی، لنگرگاه اصلی صیانت از وفاداری عاطفی و پایداری علقه‌ی زوجیت است. این وظیفه فراتر از یک حکم فردی، در واقع سازوکاری برای صیانت از «سرمایه‌ی عاطفی» خانواده محسوب می‌شود. مؤید این مدعا، روایت نبوی مشهوری است که در منابع اصیل روایی نقل شده است: «الَّتَطَرُّ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَغْقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ»؛ (نگاه [به نامحرم]، تیری مسموم از تیرهای ابلیس است؛ پس هر کس از ترس خدا آن را ترک کند، خداوند در پاداش آن، چنان ایمانی به او می‌بخشد که شیرینی‌اش را در قلب خود حس کند) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۹۱).

این خبر به جهت فرارگیری در سلسله‌سند معتبری متشکل از احمد بن محمد بن خالد البرقی (نجاشی، ص ۷۶)، محمد بن خالد (طوسی، ص ۳۴۴) و نوفلی (نجاشی، ص ۳۸)، در رتبه‌ی «موثق» قرار دارد؛ چرا که به تصریح شیخ طوسی، اگرچه سکونی عامی‌مذهب است، اما طایفه بر عمل به روایات او اجماع دارند (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۴۹).

در تحلیل استنباطی این بخش، توصیف نگاه به عنوان «تیر مسموم»، بیانگر ماهیت تخریبی آن بر قلب به عنوان کانون تعلقات زوجین است. غایت سوء این نگاه، ایجاد «مقایسه‌های ذهنی ویرانگر» است که با آلوده کردن فضای خیال، منجر به سردی عاطفی نسبت به شریک زندگی می‌گردد. بر این اساس، حرمت نگاه نه صرفاً یک منع تعبّدی، بلکه راهبردی دفاعی برای انحصار تمایلات در درون ساختار خانواده است. این نگاه صیانتی، علاوه بر روایت مذکور، ریشه در اصول کلان



شریعت همچون «لزوم سدّ باب مفسده» و «ضرورت حفظ مودّت و رحمت در خانواده» (روم: ۲۱) دارد؛ چرا که رهاسازی نگاه، مصلحت ضروری ثبات خانواده را با مخاطره جدّی مواجه می‌سازد. بنابراین، مدیریت بینایی مقدّمه‌ای واجب برای پاسداری از حریم امن خانواده و پیشگیری از تفویت علقه‌ی زوجیت است.

۴. وظایف صیانتی والدین نسبت به فرزندان

۴-۱. نظام‌سازی حیا و مراقبت‌های جنسی

در منطق فقه نظام، امنیت اخلاقی فرزندان نه یک پدیده‌ی اتفاقی، بلکه محصول «تدابیر پیشگیرانه» در ساختار خانواده است. والدین به عنوان مدیران این نهاد، مکلف به ایجاد محیطی هستند که مانع از بیداری زود هنگام غریزه و تضییع حیا گردد. این وظیفه‌ی صیانتی در سه لایه‌ی عملیاتی واکاوی می‌شود:

الف) قاعده‌ی «استیذان»؛ مدیریت ورودی‌های بصری

نخستین راهبرد قرآنی برای نظام‌سازی حیا، مدیریت حریم خصوصی از طریق «استیذان» (کسب اجازه) است. قرآن کریم در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نور، والدین را مکلف می‌کند که به فرزندان (حتی پیش از سن بلوغ) بیاموزند در سه وقت خاص (پیش از نماز صبح، هنگام استراحت نیم‌روز و پس از نماز عشاء) برای ورود به خلوت والدین اجازه بگیرند.

واژه‌ی «عورات» در عبارت «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُم»، از منظر فقهی دلالت بر مواضعی دارد که آشکار شدن آن‌ها مایه‌ی نقص و شرم است. فقها با تکیه بر این آیات، وجوب استیذان را یک «واجب صیانتی» تلقی می‌کنند؛ چرا که مواجهه‌ی بصری کودک با خلوت جنسی والدین، موجب بیداری زودرس قوای غریزی و «انحراف ادراکی» در سنین رشد می‌گردد. چنان‌که از مبانی صاحب جواهر (ره) در بحث از تکالیف والدین نسبت به اطفال استنباط می‌شود، این سنخ دستورات شرعی از باب قاعده‌ی «تمرین بر عفاف» و تمهیدی برای کمال قوه‌ی حیا در آستانه‌ی سنّ بلوغ است تا ملکه‌ی پرهیزگاری پیش از فعلیت یافتن غریزه در جان



کودک ریشه بدواند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۸۸-۹۰).

در تبیین نظام‌مند این حکم، آیت‌الله اعرافی نیز معتقد است استیذان تنها یک ادب ساده نیست، بلکه یک راهبرد پیشگیرانه برای صیانت از نگاه فرزند است که ملکه‌ی «حرمت‌گذاری به حریم دیگران» را در کودک نهادینه کرده و او را در برابر تعرّضات اخلاقی در آینده مصون می‌سازد (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۱۰).

ب. تفریق مضاجع (جداسازی بستر خواب)

جداسازی محل خواب فرزندان، یکی از تدابیر ساختاری در فقه نظام برای پیشگیری از بیداری زود هنگام غریزه و تثبیت حیا در محیط خانه است. مستند اصلی این بحث، روایتی معتبر از امام صادق (ع) است که می‌فرماید:

«يُقَرَّبُ بَيْنَ الصَّبْيَانِ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سَنِينَ؛ میان بستر خواب کودکان، هنگامی که به ده سالگی رسیدند، جدایی افکنید.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۳).

اگرچه این روایت در کتاب الکافی به صورت مرسل نقل شده است، اما به دلیل «تلقی به قبول» نزد فقهای متقدم و استناد گسترده به آن در مقام فتوا، منجر و حجت است. اعتبار این روایت زمانی آشکار می‌شود که فقیهان بزرگی همچون شیخ طوسی (۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۷۲)، ابن ادریس حلی (۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۵۰) و صاحب جواهر (۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۸۸)، علی‌رغم سخت‌گیری‌های سندی، بر اساس مضمون آن به وجوب یا استحباب مؤکد تفریق مضاجع حکم داده‌اند.

این حکم از باب «لزوم سدّ باب مفسده» و تمرین بر عفاف پیش از بلوغ تشریع شده است. از منظر فقه نظام، جداسازی بسترها تنها یک توصیه‌ی اخلاقی نیست، بلکه راهبردی صیانتی برای جلوگیری از عادی‌سازی تماس‌های فیزیکی محرک و صیانت از طهارت غریزی فرزندان است. آیت‌الله اعرافی نیز در تحلیل این روایات تأکید دارند که اهمال در اجرای این تدبیر، نوعی تقصیر در وظیفه‌ی صیانتی والدین محسوب شده و امنیت اخلاقی نسل را در آستانه بحران‌های بلوغ به مخاطره می‌اندازد (اعرافی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۰). بنابراین، تفریق مضاجع ضامن حفظ وقار رفتاری در محیط



خصوصی و تثبیت مرزهای حیا در ذهن نسل آینده است.

ج. صیانت از حیا از طریق الگوسازی رفتاری والدین

در فقه نظام، والدین تنها مربیان سخنور نیستند، بلکه به مثابه «الگوهای عینی»، مسئولیت صیانت از محیط بصری و شنیداری خانه را بر عهده دارند. الگوسازی حیا در محیط خانواده، نه یک توصیه‌ی اخلاقی، بلکه تکلیفی است که بر مبانی متقن فقهی و اصولی استوار گشته است.

۱. مبانی فقهی و قرآنی الگوسازی:

بنیاد این مسئولیت صیانتی بر قاعده‌ی آمرانه «تَعَاوَنَ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مانده، ۲) بنا شده است. از منظر فقهی، والدین مکلف‌اند با رعایت وقار در گفتار و متانت در پوشش، فرزند را در مسیر «بر و تقوا» یاری دهند. هرگونه تسامح در عفاف خانگی که منجر به قبح‌زدایی از ناهنجاری‌ها شود، مصداق بارز «تعاون بر اثم» تلقی می‌گردد. محقق حلی در شرائع الاسلام بر لزوم رعایت وقار در حضور فرزندان تأکید ورزیده و صیانت از عفت بصری فرزند ممیز را از شئون ولایت تربیتی والدین می‌داند. (۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۱۲) در واقع، فقها با تکیه بر لزوم «تمرین بر عفاف»، معتقدند که محیط خانه باید به‌گونه‌ای مدیریت شود که ملکه‌ی حیا پیش از بلوغ در جان کودک ریشه بدواند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۸۸)

۲. تحلیل استدلالی بر پایه قاعده‌ی تسبیب:

از منظر فقه استدلالی، الگووارگی والدین از طریق «قاعده‌ی تسبیب» نیز قابل تحلیل است. اگر پوشش ناهنجار یا کلام غیراخلاقی والدین در فضای خانه، مایه‌ی تهییج زود هنگام غریزه یا تضعیف حیا در فرزند شود، والدین «مسبب» این انحراف اخلاقی محسوب می‌شوند. از آنجا که بر اساس قواعد فقهی، «سبب» در بسیاری از موارد اقوی از «مباشر» است، مسئولیت هرگونه سقوط امنیت اخلاقی در نسل آینده که ناشی از الگوهای رفتاری ناصحیح در خانه باشد، در گام نخست متوجه والدین است.



۳. تبیین راهبردی در فقه خانواده:

والدین با انضباط بصری و متانت رفتاری، یک «نظام آموزشی غیرمستقیم» ایجاد می‌کنند که ضامن بقای «پروای اخلاقی» در فرزند است. تسامح در عفاف خانگی، به معنای تخریب زیرساخت‌های حیای اجتماعی است؛ چرا که خانواده کانون اصلی یادگیری مرزهای حلال و حرام از طریق مشاهده است. لذا، صیانت از حیا در کلام و پوشش والدین، یک «واجب صیانتی و مقدماتی» برای تحقق امنیت نسل و ضمانت سلامت اخلاقی جامعه در فقه نظام محسوب می‌شود. (اعرافی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۵)

۲-۴. صیانت از مرزهای فکری و مدیریت مواجهه با فضای مجازی

محور دوم از بخش وظایف والدین، به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات عصر حاضر، یعنی «فضای مجازی» اختصاص دارد. در فقه نظام، مسئولیت والدین در این ساحت، از «نظارت فیزیکی» به «نظارت هوشمند و صیانت معرفتی» ارتقا می‌یابد. در الگوی فقه نظام خانواده، والدین به عنوان «مرزبانان فکری» خانواده، مسئولیت دارند از نفوذ ناهنجاری‌های اخلاقی که از طریق رسانه‌های نوپدید وارد کانون خانواده می‌شود، جلوگیری کنند.

در فقه نظام، خانواده دژی است که وظیفه‌ی «وقایه» (پیشگیری) از آسیب‌های معرفتی را بر عهده دارد. با ظهور فضای مجازی، این وظیفه به حوزه‌ی «امنیت دیجیتال» تسری می‌یابد که در سه محور تبیین می‌گردد:

الف. مدیریت نظارت مسئولانه

اگرچه قاعده‌ی «نفی سبیل» (نساء: ۱۴۱) در فقه کلاسیک عمدتاً ناظر بر نفی سلطه‌ی سیاسی و حقوقی غیرمسلمانان بر مؤمنان است، اما با تنقیح مناط و الغای خصوصیت از ابزارهای سلطه، می‌توان مدّعی شد که سلطه‌ی فرهنگی و الگوریتمی رسانه‌های بیگانه که منجر به اضمحلال هویت و استقلال فکری نسل آینده گردد، مصداق بارز «سبیل» به شمار می‌رود. از این منظر، مدیریت فضای مجازی توسط والدین، تلاشی برای جلوگیری از برتری‌جویی فرهنگی جبهه‌ی غیرتوحیدی بر ذهن فرزندان است. برای اتقان بیشتر استدلال، وجوب این نظارت علاوه بر قاعده‌ی نفی



سبیل، بر مبنای وجوب حفظ کیان ایمان و تکلیف به رعایت زیرمجموعه نیز استوار می‌گردد.

بر اساس روایت مشهور و معتبر نبوی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۴)، والدین، نسبت به امنیت روانی و فکری فرزندان، ولایت صیانتی دارند و از منظر فقهی، رها کردن فرزند در محیطی که غلبه با محتوای مخرب و فسادانگیز است، مصداق بارز تضییع حق سلامت و تفریط در امانت الهی محسوب می‌شود.

در تبیین نظام‌مند این تکلیف، با نوعی تراحم میان «حق دسترسی به اطلاعات» و «حق صیانت از سلامت اخلاقی» مواجه هستیم که در فقه نظام، حق سلامت اخلاقی به دلیل تقدم حفظ دین بر سایر امور، حاکم و مقدم است. مدیریت دسترسی فرزندان به محتوای مجازی، نه تحدید آزادی، بلکه بخشی از حق تربیت و تکلیف والدین برای فراهم آوردن محیطی سالم است؛ چرا که مواجهه بی‌ضابطه با محتوای مسموم، قدرت تشخیص و اراده‌ی کودک را پیش از تکامل عقلی، به نفع انگیزه‌های غریزی مصادره کرده و امنیت اخلاقی نسل را به مخاطره می‌اندازد. (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۳۵)

ب. آموزش سواد رسانه‌ای

صیانت پایدار در فقه نظام خانواده، فراتر از ابزارهای انسداد فیزیکی، بر تکوین «ملکه‌ی تقوا» و قدرت تشخیص معرفتی استوار است. در این ساحت، وظیفه‌ی والدین از نظارت بیرونی به تقویت «ناظر درونی» تغییر ماهیت می‌دهد. از منظر فقهی، این آموزش و توانمندسازی فرزند، از باب «مقدمه‌ی واجب» برای تحقق تکالیف فردی و صیانت از نفس در آینده، وجوب پیدا می‌کند.

حقیقت حیا در اندیشه‌ی مفسرانی چون علامه طباطبایی (۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۱۵۴)، درک حضور مستمر حق تعالی در تمام ساحت‌های وجودی است؛ لذا والدین مکلف‌اند با تکیه بر مبنای «حضور ناظر آگاه»، فرزند را به مرحله‌ای از خودکنترلی برسانند که امنیت اخلاقی او حتی در غیاب ناظر انسانی، بر پایه‌ی بصیرت ایمانی



حفظ شود. در فقه نظام، آموزش سواد مواجهه با رسانه، بخشی از «حق تربیت» فرزندان بر عهده‌ی والدین است تا از تضییع قوه‌ی تمیز و اراده‌ی وی در فضای مسموم مجازی پیشگیری گردد.

ج. صیانت از حریم خصوصی و حرمت «اشاعه‌ی فحشا»

یکی از چالش‌های بنیادین در زیست مجازی، فروریختن مرز میان خلوت و جلوت است که صیانت از آن در فقه نظام، بر پایه‌ی حرمت «إذاعه» (افشای آنچه باید پنهان بماند) و وجوب «کتمان سرّ» تبیین می‌شود. در منابع معتبر روایی همچون الکافی، روایاتی بر وجوب ستر و کتمان اسرار مؤمن دلالت دارند که از منظر سندی نیز به دلیل قرارگیری روایانی چون ابن ابی عمیر و علی بن ابراهیم قمی در سلسله‌ی اسناد، دارای وثاقت قطعی و اعتبار رجالی هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۸).

بنابر مذاق فقهی و مبانی فقیهان بزرگی همچون شیخ انصاری (۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۱) و امام خمینی (۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۴۶)، می‌توان با تنقیح مناط و تکیه بر مناط قطعی «حرمت هتک ستر و ایذاء مؤمن»، این حکم را به تمامی حریم‌های خصوصی تسری داد؛ چرا که ملاک حرمت در این منظومه، صیانت از کرامت و «عرض» مؤمن است. بر پایه‌ی قیاس اولویت، اگر افشای سرّ یک برادر دینی در فضای عمومی حرام باشد، بازنمایی جزئیات زندگی خصوصی و اسرار کانون خانواده که حریم امن همسر و فرزندان است، به طریق اولی ممنوع خواهد بود. از منظر فقه نظام، نمایش ناهنجار خلوت خانوادگی در فضای مجازی، مصداق «تضییع حق امنیت معنوی» اعضای خانواده و زمینه‌ساز اشاعه‌ی فحشا است. لذا، صیانت از این مرزهای اعتباری، یک تکلیف الزامی برای والدین جهت انسداد منافذ نفوذ بیگانگان به حریم امن خانواده تلقی می‌شود.

۳-۴. الگوبردازی رفتاری

در منظومه‌ی صیانتی فقه نظام، والدین فراتر از مسئولیت‌های ابلاغی، واجد یک «ولایت الگویی» هستند که از آن به «تربیت مقامی» یاد می‌شود. در این الگو، فضای اخلاقی خانه نه از طریق فرامین زبانی، بلکه به واسطه‌ی «فعل» و «منش»



سرپرستان خانواده تشخص می‌یابد. ثبات رفتاری والدین در این ساحت، زیربنای امنیت اخلاقی فرزند و ضامن صیانت از شاکله‌ی روانی اوست.

الف. اصالت دعوت عملی و تقدم فعل بر قول

در نظام فقهی خانواده، هرگونه تهاوت میان کلام و رفتار والدین، به مثابه نقض غرض تربیتی و صدور مجوز ضمنی برای انحراف فرزند تلقی می‌گردد. مستند بنیادین این ضرورت، روایت معتبره و مشهور امام صادق (ع) است که می‌فرمایند: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ؛ مردم را با چیزی غیر از زبان‌هایتان [یعنی با عمل خود] به سوی نیکی دعوت کنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۸).

این روایت که تمام روات سلسله‌سند آن در منابع اصلی رجالی توثیق شده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۹؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۶۹)، دلالت بر این دارد که در مقام صیانت، «عینیت رفتار» بر «ذهنیت کلام» اصالت دارد. در واقع، والدین مکلف‌اند با تجسم عملی ارزش‌ها، از بروز تعارض‌های شناختی در ذهن فرزند پیشگیری کنند.

از منظر فقه نظام، لایه‌ی زیرین امنیت اخلاقی، نه بر توصیه‌های کلامی، بلکه بر مشاهده‌ی الگوهای رفتاری استوار است؛ چرا که قدرت اثرگذاری آنچه کودک در منش والدین می‌بیند، بسیار عمیق‌تر از دستوراتی است که صرفاً از طریق گوش دریافت می‌کند.

ب. ایجاد «امنیت پیش‌فرض» در کانون خانواده:

ثبات اخلاقی والدین در محیط خانه، منجر به ایجاد یک «امنیت پیش‌فرض» می‌گردد که کارکردی پیش‌گیرانه و ساختاری دارد. آیت الله اعرافی در تبیین ابعاد فقهی این اصل معتقد است که پیشگامی سرپرستان در رعایت محرمات و واجبات (به‌ویژه در حوزه‌ی عفت و حیا)، فرزند را پیش از مواجهه با دستورات تشریعی، از طریق «مشاهده‌ی الگو» در برابر آسیب‌های بیرونی مصون می‌سازد. (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۸۲)



از منظر استدلالی، الگوپردازی صحیح والدین، نیاز به برخوردهای قهری را به حداقل رسانده و امنیت را از یک امر تحمیلی به یک «ملکه‌ی درونی» تبدیل می‌کند. در فقه نظام خانواده، این شیوه‌ی صیانت بر مبنای «واجب صیانتی» استوار است؛ به این معنا که چون شارع مقدس به سلامت اخلاقی نسل آتی اهتمام قطعی دارد، دفع هرگونه مفسده‌ای را که منجر به فوت این غرض در آینده شود، از هم‌اکنون بر ولی واجب کرده است (صدر، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱۵). از این منظر، والدین مکلف به «دفع مفسده قبل از وقوع» هستند، چرا که هرگونه کوتاهی در مسدودسازی منافذ نفوذ ناهنجاری، مصداق تضییع حق صیانت و تفریط در ولایت تربیتی محسوب می‌گردد (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۰۵).

۴-۴. نظارت صیانتی و مدیریت معاشرت؛ توازن تکلیف و حریم

در نظام صیانتی خانواده، وظیفه‌ی مراقبتی والدین فراتر از یک توصیه‌ی اخلاقی، در قالب «وجوب صیانت از عرض و دین مولی علیه» صورت‌بندی می‌شود. این مسئولیت بر دو پایه‌ی فقهی و حقوقی استوار است که مرز میان نظارت واجب و تجسس حرام را تبیین می‌کند:

الف. وجوب وقایه و قلمرو نفی تجسس

بر اساس فرمان الهی در آیه‌ی ششم سوره‌ی تحریم (قُواْ اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْلِيكُمْ نَارًا)، صیانت از خانواده یک «تکلیف وجوبی» و عینی است. فقیهان در تفسیر این آیه، امر «قُوا» را دلالت بر وجوب ایجاد سپر دفاعی و دفع مفسده دانسته‌اند؛ با این حال، اجرای این تکلیف در مقام امثال، با حرمت شرعی «تجسس» (مستفاد از آیه ۱۲ حجرات) در تراحم قرار می‌گیرد. در حلّ این تراحم، مبنای فقهی بر آن است که نظارت باید در تراز «اشراف کلی» باقی بماند و ورود به حریم خصوصی تنها در صورت ضرورت مشروعیت یابد (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۴۱۲). چنان‌که محقق خویی تأکید دارند، جعل نهاد ولایت برای پدر و جد، اساساً با هدف صیانت از مصالح مولی علیه است؛ لذا هر تصرف یا نظارتی که در راستای این هدف (دفع مفسده یا جلب مصلحت) باشد، در دامنه‌ی مشروع ولایت قرار می‌گیرد. بر این اساس و با تکیه بر «قاعده‌ی



الأهم فالأهم»، هرگاه صیانت از دین و سلامت فرزند متوقف بر نظارت دقیق باشد، وجوب حفظ کیان ایمان بر حرمت تجسس مقدم می‌گردد. (۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۲۲۶)

ب. ولایت بر معاشرت و مسئولیت ناشی از ترک فعل

والدین بر اساس «ولایت تربیتی»، مکلف به مدیریت شبکه‌ی همسالان فرزند هستند. مستند روایی این مسئولیت، معتبره‌ی «... و کَلِّمَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۴) است که تمام روات آن در منابع رجالی توثیق شده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۹؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۶۹). این روایت دلالت دارد که سرپرست خانواده نسبت به صیانت از زیرمجموعه‌ی خود مسئولیت وضعی دارد و تهاون در آن جایز نیست.

شهید ثانی در مسالک الأفهام با تبیین دقیق این مسئولیت استدلال می‌کند که اگر معاشرت فرزند با مفسدان موجب انحراف اخلاقی او گردد و والدین با وجود قدرت بر بازداری، سکوت کنند، این «ترک فعل» مصداق «اعانت بر اثم» و تفریط در ولایت تلقی می‌گردد. (۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۱۵) از منظر فقه نظام، مدیریت معاشرت نه دخالت در آزادی، بلکه استیفای «حق امنیت اخلاقی» فرزند است؛ چرا که واگذاری فرزند به محیط‌های مخرب، نقض غرض قطعی شارع از جعل نهاد ولایت برای تدبیر امور صغار محسوب می‌شود.

۴-۵. تسهیل ازدواج؛ واجب صیانتی در پرتو قواعد رعایت و تعاون

در منطبق فقه نظام خانواده، فراهم کردن مقدمات ازدواج فرزند در صورت نیاز، نه یک اقدام تشریفاتی، بلکه یک «تکلیف صیانتی عینی» است که برآیند تلاقی ولایت تربیتی و مسئولیت‌های وضعی سرپرست خانواده محسوب می‌شود. این ضرورت را می‌توان در قالب یک استدلال یکپارچه بدین شرح تبیین کرد:

از منظر منابع روایی، فراهم آوردن بستر ازدواج در هنگام نیاز، یکی از حقوق بنیادین فرزند بر عهده‌ی پدر است. مستند محوری این مسئولیت، معتبره‌ی امام صادق (ع) در کتاب شریف الکافی است که بر اشتراک در بزه و مسئولیت ولی در صورت اهمال در تزویج فرزند واجد شرایط تأکید می‌ورزد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۹).



این روایت که تمام روات آن در منابع رجالی توثیق شده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۹؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۶۹)، در لایه‌ی فنی، ارشاد به «قاعده‌ی رعایت» و مسئولیت وضعی سرپرست نسبت به زیرمجموعه (رعیت) دارد؛ چنان‌که مفاد روایت مشهور «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۴) نیز بر همین پیوند ناگسستگی میان «ولایت» و «مسئولیت صیانتی» دلالت می‌کند. علاوه بر این، در فقه نظام، تسهیل ازدواج مصداق بارز عمل به فرمان الهی «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ» (مانده، ۲) است. از آنجا که صیانت از عفت (بر) و پیشگیری از گناه (تقوا) از غرض‌های قطعی شارع هستند، فراهم ساختن «احصان» برای فرزند از طریق ازدواج، مصداق تعاون واجب برای تحقق این غرض تلقی می‌شود. در این چارچوب، هرگونه تأخیر غیرموجه که منجر به وقوع فرزند در حرام گردد، به مثابه نقض تکلیف تعاون و مصداق «تسبیب در معصیت» خواهد بود. به تعبیر محقق حلی در شرائع الاسلام، نکاح ابزار اصلی صیانت از دین است؛ (۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۱۲) لذا وقتی پدر قدرت بر تسهیل این امر دارد، از باب «وجوب مقدمه‌ی صیانت» و وظیفه‌ی «وقایه»، مسئولیت عینی در رفع موانع ازدواج خواهد داشت. این رویکرد، مسئولیت ولی را از یک جنبه‌ی عاطفی صرف به یک «حق صیانت» ارتقا می‌دهد که تخلف از آن، توازن اخلاقی نظام خانواده را مختل می‌سازد. (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۴۸)

۵. آثار و کارکردهای راهبردی امنیت اخلاقی در نظام خانواده

در منطق حقوقی اسلام، امنیت اخلاقی صرفاً یک «وضعیت عارضی» نیست، بلکه یک «متغیر بنیادین» در تراز نظام‌سازی اجتماعی است. پابندی زوجین به شبکه‌ی وظایف صیانتی، منجر به تولید برآندهایی می‌شود که از محیط خانه فراتر رفته و در ساحت‌های تربیتی، حقوقی و کلان‌ساختار اجتماع اثرگذار است.

۵-۱. استقرار «سکینه»

در نظام خانواده، امنیت اخلاقی زیرساختی است که غایت اصلی نکاح، یعنی «آرامش پایدار» (سکینه)، بر آن بنا می‌شود. در فقه نظام، سکینه تنها یک احساس



عاطفی نیست، بلکه یک «ثبات حقوقی و لنگرگاه روانی» است که مانع از تزلزل پیوند زوجیت می‌گردد. از منظر فقه نظام خانواده، علقه‌ی زوجیت با غرض تبعی «تأمین سکینه» و غرض اصلی «استقرار حصن عفاف» تشریع شده است؛ لذا هر رفتاری نظیر خیانت بصری یا تبرّج، به دلیل زوال امنیت روانی همسر و فروپاشی دژ عفت، مصداق بارز «تسبیب در فوت غرض شارع» و نقض وجوب «معاشرت به معروف» (نساء، ۱۹) تلقی می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۵۵؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۲۲۶). از این منظر، صیانت از حریم بصری و اخلاقی، نه یک توصیه، بلکه از لوازم حقوقی وفاداری به میثاق زوجیت و حفظ ماهیت وجودی این نهاد قدسی است.

۲-۵. صیانت از طهارت نَسَب

یکی از کارکردهای راهبردی امنیت اخلاقی، تضمین «طهارت نَسَب» و صیانت از سلامت معنوی نسل آینده است. از منظر فقه نظام، حقّ فرزند بر والدین صرفاً پس از تولد آغاز نمی‌شود؛ بلکه لایه‌ای از حقوق بنیادین وجود دارد که استیفای آن در گرو صیانت اخلاقی والدین پیش از تکوین نطفه است. این مفهوم که از آن به «طهارت استیلادی» یاد می‌شود، بیانگر حقّ فطری فرزند برای انعقاد نطفه در بستری منزه و عاری از پلیدی‌های اخلاقی است.

مستند روایی این حق، معتبری نبوی در کتاب شریف الکافی است که انتخاب بستر پاک و صیانت از عفت پیش از تولد را نخستین حق فرزند بر ذمه‌ی پدر می‌شمارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۸). اعتبار سندی این روایت با توثیق عام و خاص روات آن در منابع مرجع رجالی محرز است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۹؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۶۹). فقیهان بزرگی همچون صاحب جواهر (۱۲۶۶، ج ۳۱، ص ۱۴۹) و محقق حلی (۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۱۲) با تأکید بر اهتمام شارع به «حفظ نسل»، بر این باورند که صیانت از حریم نکاح، مقدمه‌ی واجبی برای تحقق غرض شارع در تربیت نسل صالح است.

از منظر فقهی، هرگونه لغزش اخلاقی والدین (اعم از خیانت‌های بصری یا ناهنجاری‌های رفتاری)، علاوه بر جنبه‌ی تکلیفی و معصیت فردی، واجد جنبه‌ی



حقوقی و مصداق «تضییع حق غیر» است. شهید ثانی در مسالک‌الافهام تبیین می‌کند که صلاح یا فساد والدین، اثری وضعی بر شاکله‌ی روانی و معنوی فرزند (مولی‌علیه) دارد. (۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۱۵) بر این اساس، امنیت اخلاقی والدین یک «واجب صیانتی» و مقدمه‌ای برای ادای حق تکوینی فرزند است؛ چرا که واگذاری نطفه به بستری آلوده به ناهنجاری، نقض غرض شارع از جعل علقه‌ی زوجیت و تفریط در امانت الهی محسوب می‌شود. در نتیجه، صیانت از حریم خانواده، در حقیقت مرزبانی از حق فطری نسل آینده برای رشد در محیطی منزّه و بی‌شائبه است.

۳-۵. کاهش هزینه‌های حکمرانی

در فقه نظام، خانواده نه یک نهاد خصوصی مجزا، بلکه سلول بنیادین و پیشران حکمرانی اخلاقی تلقی می‌شود؛ از این رو، امنیت اخلاقی در این نظام کوچک، رابطه‌ای ارگانیک و مستحکم با کاهش بارهای مدیریتی، قضایی و انتظامی در سطح حاکمیت دارد. شهید مطهری در تبیین فلسفه‌ی حقوقی پوشش و عفاف، بر این مبنا پای می‌فشارد که تمرکز تمتعات جنسی در کانون خانواده و صیانت از حریم عفت، موجب حفظ انرژی روانی جامعه برای فعالیت‌های مولّد تمدنی می‌گردد و در مقابل، تَبَرُّج و لغزش‌های بصری با برهم زدن تعادل روانی، معاشرت‌های اجتماعی را به کانون تهییج‌گریز تبدیل کرده و انضباط عمومی را مضمحل می‌سازد (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۸۴). از منظر فقهی، وقتی زوجین با رعایت عفت بصری و انحصار میل در محیط خانه، به استیفای مشروع لذّت می‌پردازند، در واقع در حال صیانت از «حق آرامش عمومی» هستند که اثر وضعی آن، تقلیل نیاز به برخوردهای قهری و تعزیری توسط حاکمیت است.

شایان ذکر است که ابتدای این تحلیل بر آثار اجتماعی، به معنای پذیرش شبهه «پیامدگرایی» و منوط کردن وجوب احکام به نتایج خارجی نیست؛ بلکه این پیوند در فقه نظام از باب کشف «ملاکات حکیمانه» و پیوستگی «واجبات فردی» با «مقاصد کلی شریعت» تحلیل می‌شود. بر اساس مبانی عدلیه، احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند و اگر صیانت اخلاقی منجر به کاهش هزینه‌های حکمرانی



می‌شود، این اثر وضعی کاشف از اهتمام شارع به «نظام‌مندی حیات جمعی» و وجوب حفظ نظام است که از منظر فقیهان بزرگی همچون محقق خویی (۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۰۵) و امام خمینی (۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۶۱) از اوجب واجبات محسوب می‌شود. بنابراین، خانواده‌ای که امنیت اخلاقی را تولید می‌کند، سلول سالمی است که با ایفای نقش مرزبانی فرهنگی، از سرایت تزلزل به پیکره‌ی تمدن جلوگیری کرده و ضرورت نظارت‌های بیرونی را به نفع فرآیندهای تربیتی و رشد کمالی جامعه جابه‌جا می‌نماید.

۴-۵. تثبیت «ولایت تربیتی»

اثر راهبردی دیگر امنیت اخلاقی، حفظ اعتبار و «نفوذ معنوی» والدین بر فرزندان است که در فقه تربیتی به عنوان «شرط وضعی تأثیر» شناخته می‌شود. در منظومه‌ی فقهی، ولایت بر صغار تنها یک منصب قراردادی نیست، بلکه ریشه در «امانت‌داری» و «کفایت اخلاقی» ولی دارد.

از منظر فقهی، هرگونه شکاف اخلاقی در رفتار والدین، نه تنها نفوذ کلام آنان را از بین می‌برد، بلکه مشروعیت اعمال ولایت را با چالش مواجه می‌کند. صاحب جواهر (۱۲۶۶، ج ۳۱، ص ۱۴۹) و محقق حلی (۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۱۲) در بحث از ولایت اولیاء، بر این مبنا تأکید دارند که ولایت برای «مصلحت مولی علیه» جعل شده است؛ لذا اگر ولی خود درگیر ناهنجاری اخلاقی باشد، غرض شارع از جعل ولایت (که همان صیانت است) نقض شده و قدرت هدایت‌گری او زایل می‌گردد. اعرافی (۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۸۲) نیز در تبیین ابعاد فقهی این اصل معتقد است که ثبات اخلاقی والدین، زیربنای مشروعیت عملی آنان در فرایند تربیت است و هرگونه تهافت میان «قول و فعل»، منجر به فروپاشی «مرجعیت تربیتی» در نظام خانواده می‌شود.

مستند روایی بنیادین در این باب، معتبره‌ی امام صادق (ع) است که می‌فرماید: «إِنَّ الْعَالَمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعَلَمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴)؛ یعنی هرگاه هدایت‌گر به گفته‌ی خود عمل نکند، سخن او از دل‌ها می‌لغزد، آن‌گونه که باران از روی سنگ صاف می‌لغزد. سلسله‌سند این روایت



شامل ثقاتی چون أحمد بن محمد بن خالد و عثمان بن عیسی است که وثاقت آنان در منابع مرجع رجالی محرز می‌باشد (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۹). از منظر فقه نظام، این روایت دلالت بر یک «اثر وضعی» دارد؛ به این معنا که امنیت اخلاقی در خانه، موجب انطباق عینی الگو با آرمان شده و فرزند را به طور خودکار تحت ولایت و هدایت قرار می‌دهد. این فرآیند، مانع از شکل‌گیری «بحران مرجعیت» شده و با تثبیت جایگاه رهبری والدین، امنیت نسل‌های آینده را از طریق انتقال صحیح الگوهای رفتاری تضمین می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

واکاوی «امنیت اخلاقی» در تراز فقه نظام خانواده، ما را به این نتیجه راهبردی می‌رساند که صیانت از حریم خانواده، برآیند یک دستور شرعی بسیط نیست؛ بلکه محصول تعامل اندام‌وار مجموعه‌ای از احکام تکلیفی و وضعی است که در یک ساختار پیوسته به هم گره خورده‌اند. خلاصه یافته‌های این پژوهش در سه ساحت بنیادین ذیل تبیین می‌گردد:

۱. جایگزینی «الگوی صیانتی» به جای «تکالیف اتمیک»

پژوهش حاضر اثبات نمود که در منطق فقه نظام، وظایفی همچون «آراستگی بصری»، «ابراز محبت» و «مدیریت نگاه»، قطعات مجزای اخلاقی نیستند که انجام دادن یا ندادن آن‌ها صرفاً یک ثواب یا گناه فردی تلقی شود؛ بلکه این تکالیف، «اجزای یک سیستم امنیتی» هستند که هدف نهایی آن‌ها تولید «احصان» (مصونیت) برای کل خانواده است. بر این اساس، هرگونه خلل در یک جزء (مانند فقر عاطفی در خانه)، به طور وضعی کارکرد سایر اجزا (مانند عفت بصری در جامعه) را تضعیف می‌کند. لذا ضرورت دارد وظایفی زوجین در قالب یک «بسته حقوقی - صیانتی» بازتعریف شود که در آن، هر عضو مرزبان امنیت دیگری است.

۲. بازتعریف «ولایت تربیتی» و مدیریت معرفتی نسل

در ساحت وظایف والدین، این نتیجه حاصل شد که مسئولیت صیانتی از سطح «مراقبت فیزیکی» به سطح «مدیریت معرفتی» ارتقا یافته است. استنتاج از قواعدی



نظیر «وقایه» و «تسبیب» نشان داد که والدین مکلف به ایجاد «سواد رسانه‌ای تقو‌امحور» در فرزندان هستند. این پژوهش تبیین کرد که امنیت اخلاقی نسل آینده، بیش از آنکه محصول محدودیت‌های بیرونی یا تجسس حرام باشد، معلول اشباع عاطفی و «تربیت مقامی» (الگوپردازی عملی) والدین در محیط خانه است. در واقع، ثبات اخلاقی والدین، شرط وضعی نفوذ کلام و مشروعیت عملی آنان در فرایند تربیت محسوب می‌شود.

۳. امنیت اخلاقی؛ زیربنای «سکینه» و سلامت تمدنی

تحلیل آثار و کارکردها نشان داد که امنیت اخلاقی، مقدمه‌ی واجبی برای تحقق غایت قصوای نکاح، یعنی «سکینه» (آرامش پایدار) است. از منظر فقه نظام، بدون امنیت اخلاقی، خانواده از یک کانون تربیتی به یک «واحد اداری متزلزل» تنزل می‌یابد. همچنین، پیوند میان «امنیت خانگی» و «امنیت عمومی» ثابت کرد که خانواده‌ی امن، به مثابه سلول بنیادین تمدن، هزینه‌های حاکمیتی در مدیریت جرم را کاهش می‌دهد. زوجینی که با اشباع مشروع و مدیریت مرزهای رفتاری، امنیت را در خانه تولید می‌کنند، در حقیقت از «حق فطری» فرزند برای رشد در محیطی منزّه (طهارت استیلادی) پاسداری کرده و زیربنای یک «جامعه‌ی عقیف» را بنا می‌نهند. پایداری خانواده در عصر معاصر، در گرو عبور از نگاه‌های جزیره‌ای به احکام و استقرار یک «مدل عملیاتی الزامی» بر پایه مسئولیت‌های صیانتی متقابل است؛ مدلی که در آن اخلاق، نه یک امر حاشیه‌ای، بلکه ستون فقرات حقوق و تکالیف زوجین است.



فهرست منابع

الف. منابع عربی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (جلد ۱). قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب (جلد ۲). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی). (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام (جلد ۲ و ۴). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۵. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۴۱۷ق). خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال. قم: نشر الفقاهة.
۶. خمینی، سید روح الله (امام خمینی). (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب المحرمة (جلد ۱). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. _____ (۱۴۲۱ق الف). کتاب البیع (جلد ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. _____ (۱۴۲۱ق ب). کتاب النکاح (جلد ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی (جلد ۱ و ۳۲). قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار الشامیة.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (جلد ۷ و ۸). قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۱۲. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر. (۱۲۶۶ق/۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (جلد ۳۰ و ۳۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۵ق). المدرسة القرآنیة. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه). (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (جلد ۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین).
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (جلد ۴، ۱۱، ۱۵ و ۱۶). قم: دفتر انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین).
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی). (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة (جلد ۴). تهران: المکتبة المرتضویة.
۱۷. _____ (۱۴۱۷ق). الفهرست. قم: نشر ستاره.
۱۸. فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی (جلد ۲۲). اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع).



۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (جلد ۱، ۲، ۵ و ۶). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۰. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۳). شرح اصول الکافی (جلد ۳). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۱. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ب. منابع فارسی

۲۲. احمدی، وحید. (۱۴۰۱). الگوی فقهی صیانت از نهاد خانواده در برابر آسیب‌های نوپدید (رساله دکتری). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۳. اراکی، محسن. (۱۳۹۶). دروس فقه نظام خانواده. قم: مجمع اندیشه اسلامی.
۲۴. اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۵). تربیت جنسی. قم: انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان.
۲۵. _____ . (۱۳۹۶). فقه تربیتی (آراء تربیتی در فقه عبادی و خانواده) (جلد ۳). قم: انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان.
۲۶. باهنر، ناصر. (۱۳۹۲). خانواده و چالش‌های امنیت اخلاقی. تهران: انتشارات معارف.
۲۷. حسینی، سید حمید. (۱۳۹۸). مبانی فقهی امنیت در روابط زوجین. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۸. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۸). منطق استنباط فقه نظام. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۹. غلامی، علی. (۱۳۹۰). از اخلاق حسنه تا امنیت اخلاقی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰الف). اخلاق جنسی. تهران: انتشارات صدرا.
۳۳. _____ . (۱۳۹۱). مسأله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
۳۴. _____ . (۱۳۸۰ب). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.